

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست قصه‌ها

- سخنی به‌عنوان پیش‌گفتار ۷
- ۱- همه چیز به‌خاطر عشق ۱۷
- ۲- آنان که سوار بر کشتی‌ها به دریا می‌روند ۲۰
- ۳- فکر آوازخوانی را از سرت به در کن! ۲۵
- ۴- صاحب مکتبی که قدر ستایش باخ را ندانست ۲۷
- ۵- دومنیکو اسکارلاتی و فوگ «گره» اثر وی ۳۲
- ۶- شهامت و بزرگواری گلوک ۳۵
- ۷- جنگ بیست ساله زامو ۴۰
- ۸- تارتینی، شاگرد شیطان ۴۴
- ۹- آن‌سان که خوششان می‌آید ۴۷
- ۱۰- یک لالائی با سی واریاسیون ۴۹
- ۱۱- وقتی موقع اجرای اوراتوریوی «مسیحا» ی هندل همه به‌پا می‌خیزند .. ۵۱
- ۱۲- هدیه یک آهنگر به هندل ۵۳
- ۱۳- منوئه «گاونر» اثر هایدن ۵۶
- ۱۴- سمفونی «خافلگیری» اثر هایدن ۵۸
- ۱۵- سمفونی «خداحافظی» اثر هایدن ۶۰
- ۱۶- سرود ملی ساخته هایدن ۶۳
- ۱۷- یک نیایش شادبیار به‌درگاه خداوند ۶۶
- ۱۸- اپرای دون ژوان - ماجرای یک اورتور که در آخرین لحظه تصنیف شد .. ۶۹
- ۱۹- مالیات بردرآمد مونتسارت ۷۲

Shiraz-Beethoven.ir

- ۲۰- رکوئیم موتسارت ۷۴
- ۲۱- سمفونی مورد علاقه بتهوون: اروئیکا ۷۷
- ۲۲- پیروزی بتهوون ۸۰
- ۲۳- یک معامله زیرکانه ۸۲
- ۲۴- روی خوش بتهوون ۸۴
- ۲۵- از ضرب تا، تا، تا و سمفونی‌ای که در پی آن پدید آمد ۸۶
- ۲۶- آخر شما که چیزی میل نکرده‌اید! ۹۰
- ۲۷- مرواریدی که بدلی از کار درآمد! ۹۳
- ۲۸- چیزی که عوض داره، گله نداره! ۹۵
- ۲۹- این اثر بهتر از آنست که کار تو باشد! ۹۷
- ۳۰- اگر فرانتز این کار را می‌کند باید کار صحیحی باشد ۹۸
- ۳۱- فرزندان وطن، به پیش! ۱۰۱
- ۳۲- برخوردار نخستین با اپرای ریش تراش شهر سویل ۱۰۴
- ۳۳- مؤثر بودن یک دعای روسینی ۱۰۷
- ۳۴- «زیبارویان غنوده» می‌یربیر ۱۱۰
- ۳۵- شومان چگونه آنچه را در دل داشت با موسیقی بیان کرد ۱۱۳
- ۳۶- زوال یک دوستی ۱۱۸
- ۳۷- مارش خاکسپاری شوپن، ساخته خودش ۱۲۱
- ۳۸- رؤیای نیمه شب تابستان در نیمروز ۱۲۵
- ۳۹- پاسیون سنت ماتیو و اجرای مندلسون ۱۲۸
- ۴۰- رسالت موسیقائی فلیکس مندلسون ۱۳۲
- ۴۱- یک مهمانی نامنتظر و پی‌آمدی مطلوب ۱۳۵
- ۴۲- اپرای «اوربانت» اثر ویر ۱۳۹
- ۴۳- چگونه ویلن سل به گل میخ مجهز شد ۱۴۱
- ۴۴- معاوضه منصفانه ۱۴۵
- ۴۵- سلطان والس مرده است، زنده باد سلطان والس! ۱۴۷

- ۴۶- وطن من، آنچه دارم از تو دارم ۱۵۱
- ۴۷- اندیشه‌های من، بربالهای طلایی سوار شوید ۱۵۳
- ۴۸- اپرای «ایل تراواتوره» همیشه مقبول ۱۵۹
- ۴۹- آخرین امید ۱۶۲
- ۵۰- سرزمین پنبه خیز ۱۶۳
- ۵۱- سمفونی نانوشتۀ برلیوز ۱۶۶
- ۵۲- تقویت روحیۀ گلینکا ۱۷۱
- ۵۳- بوریس گودونف، یک اپرای سفارشی ۱۷۴
- ۵۴- یک دادخواهی از پیشگاه تزار ۱۷۷
- ۵۵- آلکساندر بورودین، دکتر در پزشکی، دکتر در موسیقی (M.D,D.M) ۱۷۹
- ۵۶- اپرائی در حد کمال و منتقدان بری از کمال آن ۱۸۱
- ۵۷- یک داوری شتابزده ۱۸۴
- ۵۸- وقتی نمی‌خواهند ارزش اثری را بشناسند ۱۸۷
- ۵۹- دوستان قدیمی به‌خانه بازگشته‌اند ۱۸۹
- ۶۰- زندگی‌نامه موسیقائی اسمتانا ۱۹۱
- ۶۱- کفش چوبین پاگانینی ۱۹۴
- ۶۲- آهنگسازی از قارۀ کهن و سمفونی دنیای نوی او ۱۹۷
- ۶۳- یک نغمۀ شگفتی برانگیز پیانو توسط سن سانس ۱۹۹
- ۶۴- سن سانس، آهنگسازی که می‌خواست چند صباح ناشناس بماند ... ۲۰۱
- ۶۵- یک اپرای بدقدم ۲۰۴
- ۶۶- آن دو چیز سوزآور! ۲۰۷
- ۶۷- سمفونی پنجاهمین زادروز برامس ۲۰۹
- ۶۸- عصیان هوگولف ۲۱۴
- ۶۹- تصنیف از طریق تله پاتی ۲۱۶
- ۷۰- اپرای پالیاجی و اظهار نظر آهنگساز ۲۱۸
- ۷۱- پرسی گرینجر عزیز ۲۲۰

- ۷۲- ریمسکی کرساکف، این آریستو کرات انقلابی ۲۲۳
- ۷۳- تاج سلطنتی «اسلزاک» ۲۲۷
- ۷۴- اثری که از سرم دست بردار نیست ۲۳۰
- ۷۵- یک موسیقیدان فردا ۲۳۴
- ۷۶- برمعلم رحم آورید ۲۳۶
- ۷۷- سوناتای که سفارشی ساخته شد ۲۳۷
- ۷۸- بزرگترین ویلنیست دنیا ۲۳۹
- ۷۹- فریب موسیقائی کرایسلر ۲۴۱
- ۸۰- صبحانه حاضر است ۲۴۵
- ۸۱- وای، هوای اینجا چقدر گرم است ۲۴۸
- ۸۲- سه حریف «پ» آزاردهنده پادرفسکی ۲۴۹
- ۸۳- تقاضای مرخصی برای تصنیف یک اپرا ۲۵۲
- ۸۴- خانه‌ام، ماوای من بردامن دشت و کوهساران ۲۵۴
- ۸۵- وقتی قطعه «تقدیس بهار» انسان که باید و شاید مفهوم واقع نشد ... ۲۵۷
- ۸۶- یک قطعه بدوی ۲۶۱
- ۸۷- شاوز، آهنگسازی برخاسته از مکزیک ۲۶۵
- ۸۸- رودخانه «مردپیر» ۲۶۷
- ۸۹- گرسنگی کشیدن ۲۷۰
- ۹۰- خودتان را زیاد به در دسر نیندازید! ۲۷۱
- ۹۱- قطعه مهمانی رقص اثر ارنست شلینگ به مناسبت پایان جنگ ۲۷۲
- ۹۲- چهار نفر در برابر یک چیستان ۲۷۴
- ۹۳- چه جمع کثیری! ۲۷۷
- ۹۴- چگونه مردم جزیره گوام به موسیقی علاقه‌مند شدند ۲۷۸
- ۹۵- سرودانتر ناسیونال ۲۸۱
- ۹۶- وقتی استاکوفسکی مدت زیادی منتظر نگهداشته شد ۲۸۴
- ۹۷- پروکوفیف، این آدم حقیقت‌گو و صریح‌اللهجه ۲۸۷

- ۹۸- راپسودی این بلو - راپسودی بر روی ترانه‌های سیاهپوستان ۲۹۰
- ۹۹- دوئل اپرایی ۲۹۳
- ۱۰۰- «بولرو» اثر راول به روایت توسکانی‌نی ۲۹۵
- ۱۰۱- به‌شیوه‌ای بیانگرانه: جان کلام! ۳۰۰
- ۱۰۲- توسکانینی و سوپرانوئی که از خود مطمئن بود ۳۰۲
- ۱۰۳- نبوغ در برابر استعداد ۳۰۴
- ۱۰۴- آیا نمی‌توانی بشماری؟ ۳۰۶
- ۱۰۵- یک چیستان موسیقائی دلپذیر ۳۰۷
- ۱۰۶- اپرای «ماتیس نقاش» اثر هیندمیت ۳۰۹
- ۱۰۷- مهمان نامنتظر ۳۱۲
- ۱۰۸- رهبر ارکستر ملاحظه‌کار ۳۱۳
- ۱۰۹- خون - اشک - عرق - پیدایش یک سمفونی ۳۱۴
- ۱۱۰- فراموشکار ۳۱۷
- ۱۱۱- شوئنبرگ و «خاک خوب» ۳۱۸
- ۱۱۲- آنچه دلخواه بارتوک بود ۳۲۰
- ۱۱۳- یک کودک بس زودرس ۳۲۲
- ۱۱۴- یک گنجینه در زیرزمین کاخ کرملین ۳۲۳
- ۱۱۵- کوبلند همچنان پیش می‌رود ۳۲۶
- ۱۱۶- نمایه آهنگسازان و موسیقیدانان ۳۲۹

Shiraz-Beethoven.ir

Shiraz-Beethoven.ir

سخنی چند به عنوان پیشگفتار

درباره موسیقی و موسیقیدانان، داستانها و روایت‌های فراوانی گفته می‌شود. اساس برخی از این داستانها در آغاز رویداد کوچکی بیش نبوده، ولی چون زبان به زبان گشته به صورت حکایات اغراق آمیز درآمده است و بعضی نیز با توجه به اوضاع و احوال زمان، فی‌البداهه پدیدار شده. بسیاری از این داستانها بدون تردید با واقعیت قرین است. به هر تقدیر چه واقعی و چه ساختگی باشند، جملگی این داستانها و روایت‌ها در عرصه موسیقی و زندگی موسیقیدانان، برای خود مقبولیتی یافته‌اند.

در بین این گونه روایت‌ها که از واقعیت نصیب کمتری دارند ولی در عوض با مقبولیت بیشتری قرین هستند می‌توان از آنچه درباره «سونات مهتاب» بتهوون گفته شده است یاد کرد. گفته می‌شود که بتهوون این سونات را در یک شب مهتابی، در آن حال که در پشت پیانو نشسته بوده و می‌گریسته و چشم برپنجره روشن شده از مهتاب محبوبه‌اش داشته، تصنیف کرده است، آن هم محبوبه‌ای که دل به کس دیگری جز بتهوون سپرده بوده. این روایت، دلنشین‌تر از آنست که بخواهیم در صحت آن تردیدی روا داریم گرچه امروزه با اطمینان می‌دانیم عنوان «سونات مهتاب» توسط ناشر آثار بتهوون، آن هم پس از درگذشت آهنگساز، برای این اثر ابداع شده است و همچنین از این نکته باخبر هستیم که روش تصنیف و شیوه کار بتهوون با آنچه در این روایت بیان شده است، همخوانی ندارد.

نظیر داستان مشهور جرج واشنگتن و درخت گیلاس، داستانی که

به‌رغم مقبولیت، صحت آن نیز مورد تأیید قرار نگرفته است*، داستان سونات مهتاب و داستان‌های مشابه آن برای بسیاری از اشخاص با سلیقه‌های مختلف دلنشین و مطبوع می‌نماید از آن‌رو که با موسیقی و زندگی و آثار موسیقیدانان بستگی و پیوستگی دارد. همان‌سان که تحسین کنندگان جرج واشنگتن هرروایتی را درباره او گفته شود چه در آن از درخت گیلاس ذکری به‌میان بیاید یا نیاید، همین قدر که برتصویر از آن قهرمان درذهنشان لطف و درخشندگی بیشتری ببخشند، دوست می‌دارند، علاقه‌مندان به‌موسیقی و موسیقیدانان نیز پیوسته از داستانها و روایت‌هایی درباره هنرمندان محبوبشان استقبال می‌کنند. اینان هرچه را درباره موسیقیدانان گفته آید با لذت می‌شنوند، به‌گنجینه اطلاعاتشان می‌سپارند و از شنیدن و بازگو کردن آن روایت‌ها هر بار بیشتر محظوظ می‌شوند.

برای کسی هم که اهل موسیقی نباشد ولی برای موسیقی علاقه‌ای نشان دهد بدون آنکه صاحب اطلاعی به‌حساب آید، شنیدن یک داستان

* «خلاصه داستان مربوط به جرج واشنگتن و درخت گیلاس»

وقتی جرج واشنگتن شش ساله بود به‌عنوان بازیچه، تبری به‌او داده شد! مثل همه پسر بچه‌ها از داشتن چنین بازیچه‌ای خوشحال بود، مرتباً به‌این سو و آن سو می‌رفت و هرچه را بر سر راهش می‌یافت به‌ضرب تبر کنار می‌زد. یک روز که در باغچه منزل سرگرم بازی بود و ساقه‌های لوبیای کاشت مادرش را با تبر می‌برید بدون آنکه متوجه باشد، با تبر یک درخت گیلاس زیبای مورد علاقه پدرش را چنان آسیب رساند که گفتنی نبود. روز بعد پدر که متوجه شد بر سر درخت گیلاس محبوبش چه بلائی آمده است از اهل منزل جو یا شد چه کسی مرتکب آن خطا شده. از هیچکس صدائی برنیامد. در همین موقع جرج با تبرش وارد اتاق شد. پدر از او پرسید «جرج، آیا می‌دانی چه کسی آن درخت زیبای باغچه را از بین برد؟» این پرسش سخت و دردناکی بود. جرج چند لحظه از خود بیخود شد ولی خیلی زود خون‌سردی خود را بازیافت و در حالی که با آن چهره معصوم کودکانه خود به‌روی پدرش می‌نگریست با شهامت پاسخ داد «پدر، من نمی‌توانم دروغ بگویم! تو می‌دانی که من نمی‌توانم دروغ بگویم. من با تبرم به‌آن درخت صدمه زدم» پدر گفت: «پسر عزیزم بیا تو را در آغوش بگیرم. تو با این شهامت و صداقت خود برایم از هزار درخت گیلاس عزیزتری، حتی گو میوه آن درختان سیم و زر باشد.»

یا روایت درباره موسیقیدانان می‌تواند چون انگیزه‌ای به کار آید که توجه بیشترش را به این عوالم معطوف دارد. برای یک موسیقیدان حرفه‌ای نیز، این گونه داستانها و روایتها چون چاشنی خوشمزه‌ای انگاشته می‌شود که سر و کار داشتن با نکات دقیق فنی هنرش را دلپذیرتر می‌سازد. کسانی که از طریق رادیو، کاست و صفحات لیزری به آثار موسیقی گوش می‌سپارند، این کسان نیز از شنیدن این‌گونه داستانها و روایتها که به فهم آثار موسیقی کمک می‌کند، هیچگاه خسته نمی‌شوند. حتی یک آدم ناوارد در موسیقی نیز از شنیدن این داستانها، صرفاً به آن جهت که داستانی است و ارزش شنیدن دارد استقبال می‌کند گرچه موسیقی و زندگی موسیقیدانان برایش جالب نباشد. از همه اینها گذشته، واقعیت اینست که همه مردم دنیا داستان و روایت را دوست دارند به خصوص اگر در آن داستان یا روایت زمزمه محبت و گفتگوی دلبران به میان آید.

از این روست که من از خواندن برنامه‌های کنسرت‌ها، تاریخ موسیقی، مقاله‌های روزنامه‌ها و مجلات درباره موسیقی، نامه‌های موسیقیدانان، زندگینامه‌های آنان و همچنین از برکت تماس و گفتگوی حضوری با موسیقیدانان و نوازندگان و رهبران ارکستر طی چندین سال گذشته، داستانها و روایتهایی گرد آورده‌ام، داستانهای کهنه و نو درباره همه کسانی که در عالم موسیقی فعالیت داشته‌اند و دارند. اکنون این روایتها و داستانها را در اینجا باز می‌گویم تا هم خودم باز حظی ببرم و هم امیدوار باشم تو ای خواننده عزیز از خواندن آنچه فراهم آورده‌ام نصیبی ببری و محظوظ شوی.

هلن کافمن

تیوچرسی

Shiraz-Beethoven.ir